

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

یادآوری: ادامه مناقشه بر اقوال وارده درباره فحص در شبهات موضوعیه، از منظر مختار؛

در بحث وجوب فحص در شبهات موضوعیه که بحثش را بحمدالله تمام کردیم.

مناقشه بر قول پنجم یا نظریه بعض المحشین؛

فقط یک نکته ای باقی ماند و آن اینکه برخی فرموده اند بعضی از موضوعات «لا يتحقق إلا بالفحص»، یعنی در حقیقت خواستند تفصیل بدهند در وجوب فحص در شبهات موضوعیه بین موضوعاتی که قوامش به فحص است و تا فحص نشود اصلاً محقق نمی شود، مثلاً در مورد استطاعت تا فحص نشود معلوم نمی شود که آیا استطاعت هست یا نه؟ در باب حدّ نصاب در زکات همین طور.

موضوعاتی که قوامش به فحص هست، فحص در آنها واجب است اما موضوعاتی که قوامش به فحص نیست فحص در اینها واجب نیست! مثلاً شاید بگویند در باب طهارت و نجاست، این طهارت و نجاست در واقع هست، حالا شما چه فحص بکنید و چه فحص نکنید نقشی در واقع ندارد، ولو تصریح به این تعبیر نکردند فقط گفته اند تعبیرشان این است ظاهراً در حواشی کتاب العروة الوثقی که موضوعاتی که «يتقوّم بالفحص و لا تتحقق إلا بالفحص».

این مطلب هم به نظر ما جوابش روشن است، اولاً همه ی موضوعات این طور است. ما اصلاً موضوعی نداریم بگوییم این تقوّمش به فحص نیست شما کدام موضوع را دارید که بگویید این متقوّم به فحص نیست؟ هر موضوع خارجی، شما برای اینکه علم به آن پیدا کنید باید فحص کنید. ما بگوییم موضوعی داریم که متقوّم به فحص نیست معنا ندارد، ما اگر علم به موضوع را دخیل بدانیم قطعاً باید فحص شود، اگر علم را دخیل ندانیم باز بین موضوعات فرقی وجود ندارد، علی ایّ حال این قول هم به نظر ما هیچ محصلی ندارد و نتیجه همان بود که دیروز عرض کردیم.

بررسی مسئله ششم کتاب تحریر الوسيله درباره نحوه اثبات مسافت، ضمن چند بحث؛

اینجا یک مطلب دیگری را باید عرض کنیم در همین مسئله ی شش کتاب تحریر الوسيله چون امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) هم در این مسئله می فرمایند «تثبت المسافة بالعلم و بالبينة و لو شهد العدل الواحد فالأحوط الجمع، فلو شك في بلوغها أو ظن به بقي على التمام و لا يجب الاختبار المستلزم للحرّج، نعم يجب الفحص بسؤال و نحوه عنها على الأحوط، و لو شك العامي

في مقدار المسافة شرعا و لم يتمكن من التقليد وجب عليه الاحتياط بالجمع» که بعد هم می‌فرمایند احتیاط وجوبی این است که اختبار لازم است. ما عرض کردیم همان فتوای سید(ره) درست است که اقوی این است که اختبار لازم است. در بحث مسافت چند بحث وجود دارد که عبارتند از:

بحث اول: بررسی طرق فحص در اثبات مسافت؛

یک بحث این است حالا که می‌خواهیم فحص کنیم طرق فحص چیست؟

راه اول: علم است که این روشن است انسان خودش علم پیدا می‌کند اینجا مسافت واقع شده و واقع است.

راه دوم: بینه است. در مورد بینه یک اختلافی هست که حتماً ملاحظه فرمودید که آیا حجّیت بینه فقط در باب فصل خصومات آن هم عند الحاكم است یا اینکه ادله‌ی حجّیت بینه عمومیت دارد. تقریباً مشهور قائل به همین هستند که ادله‌ی حجّیت بینه اختصاص به فصل خصومت و عند القاضی ندارد، در هر موضوعی اگر بینه قائم شد که این خمر است، بینه قائم شد که این نجس است، بینه قائم شد بر رؤیت هلال، هر جا بینه قائم شد. پس حجّیت اختصاص ندارد، ما هم همین نظر را داریم ادله‌ی بینه عمومیت دارد و اختصاص به فصل خصومات و عند القاضی ندارد، در هر جا و در هر موضوعی بینه جریان دارد بنابراین در اینجا هم این‌طور است اگر بینه قائم شد بر اینکه اینجا مسافت شرعی محقق است مسئله تمام است.

راه سوم: شایع است؛ این شایع در برخی کلمات مقید به علم شده، «مفیداً للعلم» باشد، اینکه بحثی ندارد آنچه بحث دارد این است که آیا شایع «مفیداً للظن» حجّیت دارد یا نه؟ شایع مفید برای ظن؟

تبیین نظریه محقق نایینی(ره) درباره حجیت شایع ظنی و شهرات و تبیین ادله ایشان؛

مرحوم محقق نائینی(أعلى الله مقامه الشریف) در این بحث صلاة‌شان می‌فرمایند این مبتنی بر این است که ما این مسافت و این حدّ مسافت را یک میزان تحقیقی قرار بدهیم و یا میزان تقریبی قرار بدهیم. اگر گفتیم شارع که گفته هشت فرسخ، این یک «میزان تحقیقی» است، می‌فرمایند اینجا شایع مفید للظن فایده‌ای ندارد، بلکه باید علم پیدا کنیم.

اما اگر گفتیم این میزان یک «میزان تقریبی» است، می‌فرمایند با شایع مفید للظن هم این میزان محقق می‌شود.

اگر در ذهن شریف‌تان باشد مرحوم سید(ره) در کتاب العروة الوثقی، بعد از اینکه ثمانیه فراسخ را بیان کردند فرمودند این روی تحقیق است و روی این است که با دقت باید این میزان محقق باشد و در مقابلش همین است که آیا این عنوان تقریب هم کافی است یا نه؟

اگر ما گفتیم میزان تحقیقی ملاک است، هر کسی باید یقین پیدا کند، یا حالا چیزی که قائم مقام یقین است مثل بینه که اینجا هشت فرسخ تحقیقی بدون اینکه یک سانتی‌متر کمتر باشد، هشت فرسخ تحقیقی در اینجا وجود دارد.

اگر گفتیم تقریبی، یعنی عرف می‌گوید اینجا هشت فرسخ است ولو اگر ما بخواهیم با متر و وسائل اندازه‌گیری با اینها حساب کنیم ممکن است ده تا پنج سانت کمتر باشد ولی عرف می‌گوید اینجا هشت فرسخ است.

البته یک نکته‌ای را قبلاً عرض کردیم و الآن هم تذکر می‌دهیم و آن اینکه در مواردی که شارع تحدید دارد مسامحات عرفی فایده ندارد، «لا عبرة بالمسامحات العرفية في موارد التحديد»، در موارد تحدید، به عرف می‌گوییم دو متر، پنج متر از هشت فرسخ کمتر است، می‌گوید من به این می‌گویم هشت فرسخ این فایده‌ای ندارد. اما عرف دقیقی که روی میزان تقریب می‌گوید، این تقریباً هشت فرسخ است و کافی است. پس اگر ما گفتیم تحقیق است باید از هشت فرسخ یک سانت بلکه یک میلی‌متر هم کمتر نباشد، اگر کسی اندازه بگیرد از آخر خطه‌ی بلد تا اول خطه‌ی دیگر، دید پنج سانت کمتر است نمازش تمام است.

اگر گفتیم میزان، میزان تقریبی است یعنی عرف بگوید هشت فرسخ است، عرف بگوید بین البلدین هشت فرسخ است. یک شیوع عرفی بین العرف باشد بر اینکه این مقدار هشت فرسخ است.

مرحوم نائینی(ره) در جلد دوم کتاب الصلاةشان در اینکه آیا شایع ظنی و شهرات در ما نحن فیه کافی است یا نه؟ می‌فرماید «وجهان مبنيان على كون المسافة تحقیقية أو تقریبية»، بعد می‌فرماید «و حيث قد تقدّم أن المختار هو الثاني»، ایشان می‌فرماید به نظر ما مختار همین دومی است، یعنی عرف بگوید بین این دو تا بلد، هشت فرسخ کافی است، همین اندازه. عرف دقیق، و نه عرف مسامحی. به خود عرف می‌گوییم از هشت فرسخ دو کیلومتر کمتر است، می‌گوید مسامحه می‌کنیم، نه! آنها معتبر نیست. ولی یکی دو متر را عرف حساب نمی‌کند، یعنی عرف دقیق که می‌گوییم این دقت غیر از دقت ریاضی است، یعنی عرف متوجه، عرف مسامحی یعنی عرفی که توجه نمی‌کند مسامحه می‌کند.

یک مواردی را عرف مسامحه می‌کند، مثلاً اگر یک ظرف آبی، یک قطره الکی در آن باشد عرف مسامحه می‌کند می‌گوید این ماء است اما شرع می‌گوید این یک قطره الكل هم موجب نجاست این آب قلیل شده و هم حرام است، اما عرف مسامحی اصلاً توجهی به آن نمی‌کند، علی‌ای حال عرض می‌کنم بین عرف دقّی و مسامحی فرقی این است، عرفی که توجه می‌کند و عرفی که توجه نمی‌کند. در اینجا مسلم مرحوم نائینی(ره) نمی‌خواهد بگوید عرف مسامحی، عرف مسامحی می‌گوید اگر یک کیلومتر هم کمتر شد، پانصد متر کمتر شد باز هشت فرسخ هست اما عرف متوجه می‌گوید نه، این هشت فرسخ نیست اما همین عرف متوجه، ده سانت و بیست سانت و پنجاه سانت را می‌گوید اصلاً این نه!

یک حاشیه‌ای مرحوم والد ما بر کلام مرحوم سید(ره) دارند؛ در جایی که مرحوم سید(ره) می‌گویند «على التحقيق»، ایشان می‌فرمایند «على التحقيق العرفی و لا على التحقيق العقلي». عرف می‌گوید اینجا هشت فرسخ فاصله وجود دارد، عرف متوجه است که فاصله وجود دارد نه عرف مسامحی. مرحوم نائینی(ره) همین نظر را دارد، مرحوم اصفهانی(ره) هم در کتاب صلاة مسافران همین نظر را دارند. مرحوم نائینی(ره) می‌فرماید «قد تبين أن المختار هو الثاني».

دلیل اول: بعید بودن تحقیق با وجود کثرت ابتلا؛

باز اشاره به ادله‌اش می‌کند، «من جهة بعد التحقيق فيها»، اولاً مسئله‌ی تحقیق یک امر بعیدی در اینجا هست، بگوییم هر کسی می‌خواهد یک سفری بکند، یک متر دستش بگیرد، این کاملاً از آخرین خطه‌ی بلد شروع شد، این خیلی بعید است. می‌فرماید «مع كثرة ابتلاء بها»، با اینکه این کثیر الابتلاء است اما تحقیق در آن خیلی امر بعیدی است.

دلیل دوم: خبر عیر و وعیر؛

بعد می‌فرمایند «مؤيداً بخبر العیر و الوعیر»، آن روایتی که پیامبر اکرم(ص) فرمودند: حد مسافت فاصله‌ی بین ظل عیر و فیء وعیر است که عیر و وعیر در شرق و غرب مدینه قرار گرفتند. نائینی(ره) می‌فرماید این خودش تقریبی است، این دو.

دلیل سوم: اعتماد به عرف در زمان ائمه و متشرعه؛

«و أنه لم يسمع التحقيق في تعيين المسافة من صدر الأول»، از زمان ائمه، نه خود ائمه و نه متشرعه و متدینین روی دقت عمل نمی‌کردند که با دقت ببینیم که این دقیقاً هشت فرسخ هست یا نه؟ «بل العبرة كانت على ما يتداول في اللسان في تحديدها»، مردم در تحديد مسافت به آنچه که متداول در السن بوده اعتماد می‌کردند «بین مکان و مکان، كما تراهم يبنون على الاعتماد بقول ارباب القوافل و غيرهم في تعيين المسافة و ليس هذا كل إلا من جهة الاكتفاء بالتقريب و عدم الحاجة إلى تحقيق»، می‌فرماید تحقیق لازم نیست.

حالا که گفتیم تحقیق لازم نیست «يكتفى بشياع الظنّي و الشهرة في حصول التقريب بهما»، به شياع ظنی و شهرت، مشهور است که بین این دو بلد هشت فرسخ است ولو انسان علم هم نداشته باشد، می‌فرمایند این کفایت می‌کند. در ذهن خیلی از ماها این است که مواردی که تحديد شده مثل هم است که می‌گویند در کتاب‌های فقهی اینها را در ردیف هم قرار می‌دهند، حدّ مسافت، مقدار آب کُر، مقدار نصاب، اینها تحديد شده.

تبیین نظریه محقق اصفهانی(ره) درباره حجیت شیاع ظنی و شهرات و تبیین ادله ایشان؛

مرحوم اصفهانی(ره) هم همین نظر مرحوم نائینی(ره) را دارد، ایشان می‌گویند به نظر ما مدار بر مقدار تقریبی است، مقدار تقریبی تقریباً هشت فرسخ است، عرف می‌گوید اینجا هشت فرسخ است، باز نه مسامحه. کلمه‌ی تقریب را گاهی اوقات با مسامحه یکی می‌آورند، نه. عرف با توجه می‌گوید هشت فرسخ است ولو به حسب الدقة العقلية هشت فرسخ نباشد اگر ما قائل شدیم که ملاک، ملاک تحقیقی است، عرض کردم یک سانت، یک میلیمتر هم اگر از هشت فرسخ کمتر باشد نمی‌شود، حالا شما ببینید در بحث اقامه‌ی عشرة ایام می‌گویند ده روز تحقیقی، ممکن است قائلین به این قول بگویند تقریبی، بگویند عرفاً ده روز اینجا مانده، نه اینکه بگوییم این ده روز دقیقاً ده تا 24 ساعت باید بشود، البته کثیری از آقایان همین‌طور می‌گویند.

این صلاة المسافرين مرحوم اصفهانی(ره) است که شخصی به نام مرحوم سید حسین موسوی علوی خوانساری(ره) تقرير کرده، ایشان این‌طور می‌گویند: «ثم هل الفرسخ الذي هو عبارة عن ثلاثة أميال تحقيقاً كسائر التحديدات الشرعية كالكر و نحوه»، تحديدات شرعية مثل كر، كر از جهت وزن و مسافت، شارع آمده معین کرده که كر چقدر است؟ یا بلوغ در پسر و دختر از جهت سنّی، که یکی از علائمش هست را شارع معین کرده، «تحقيقاً كسائر التحديدات الشرعية كالكر و نحوه أو تقريباً»، بعد ایشان تقریبی را این‌طور معنا می‌کنند: «و المدار على ما يعدّ عرفاً أنه فرسخ»، عرف می‌گوید این یک فرسخ است. عرض کردم عرف متوجه اگر بگویی این یک سانت کمتر است می‌گوید این فرسخ است، نمی‌گوییم مسامحه می‌کند، مسامحه یعنی اصلاً توجه ندارد.

بعد ایشان می‌فرماید «وجهان و الاقوى هو الثاني» فعلاً من همین دو نفر را پیدا کردم که این نظریه را دارند، دیگران این بحث را به این دقت مطرح نکردند، یعنی خود مرحوم سیّد(ره) ظاهر عبارت العروة الوثقى می‌گوید «تحقيقاً» و اگر ما گفتیم تحقیقی به این معناست که باید با همان دقت عقلیه حساب شود و یک سانت هم نباید کمتر باشد، در کلمات این دو بزرگوار بود، ندیدم مرحوم آقای بروجردی(قدس سره) بیان فرمودند یا نه؟ قاعداً ایشان هم باید مطرح کرده باشد. دلیلی که مرحوم اصفهانی(ره) دارد می‌فرماید:

دلیل اول: «لأن التحديد الحقيقي إنما يعتبر فيما يمكن إحرازه لعامة المكلفين كالكر فإنه و إن كان تحديداً للماء الكثير الذي لا يستقدر بالنجاسة إلا أنه حيث يمكن إحرازه لعامة المكلفين بتحديد بثلاثة أشبار و نصف في مثله فيمكن اعتبار هذا المقدار تحقيقاً»، می‌فرمایند همه‌ی مردم که قدرت فهم حساب و این چیزها را ندارند، اگر شارع آمد یک جا یک تحديدی را بیان کرد،

چون خطابش به عامه‌ی مکلفین است باید عامه‌ی مکلفین را در نظر گرفت، عامه‌ی مکلفین قدرت انجام این کار را ندارند.

دلیل دوم: «وَأَمَّا مَا لَا يُمْكِنُ إِحْرَازُهُ إِلَّا بِالْأَلَاتِ أَوْ رِصْدٍ فَلَا يُمْكِنُ جَعْلُهُ مَوْضُوعًا لِنَوْعِ الْمَكْلَفِينَ». این هم دلیل دیگری است.

تایید نظریه محقق نایینی، اصفهانی و لنکرانی از منظر مختار: کفایت تحدید عرفی، در حدّ مسافت ضمن دو مثال؛

مرحوم نائینی(ره) سه دلیل آورد. اما از اینها مهمتر بیانی است که مرحوم نائینی(ره) دارد، متشرعه «من الصدر الاول إلى الآن» اصلاً چنین چیزی را نداشتند که تحقیق کنند، همین مقدار که می‌گفتند فاصله‌ی بین این دو تا عرفاً هشت فرسخ است. ما در بعضی جاها مناطمان صدق عرفی است و لذا یک مثال دیگری برایتان زدم گفتم در شیر گاو که ملاک، صدق عرفی است چون شیر گاو را که همه استفاده می‌کنیم اگر زیر میکروسکوپ ببریم ذرات ریز خون در آن وجود دارد، حالا بگوییم چون زیر دستگاه بردیم خون در آن رؤیت شده خوردنش حرام و نجس است؟ نه، چون ملاک صدق عرفی است و عرف به این خون نمی‌گوید! حتی بگوییم عرف با میکروسکوپ، عرف دقی هم به این نمی‌گوید خون، همه اینها را آنجا گفتیم، عرف متوجه می‌گوید «هذا لبن» این شیر است. بنابراین مسئله این‌طور است که در بعضی از موارد، ملاک صدق عرفی است، آب مضاف، آب لبن، اینها صدق عرفی می‌کند.

بر خلاف رؤیت هلال که ملاک، واقع است، ملاک این است که ماه از تحت الشعاع خارج شده باشد، در همین ماه امسال 1436 ه ق پنجشنبه که بدون هیچ تردیدی جزء ماه رمضان بود، شب پنجشنبه 36 ساعت از ولادت ماه گذشته بوده دیگر وجهی ندارد که تردید کنیم و بگوییم پنجشنبه از اول ماه هست یا نه؟ این ماه را بعضی از مراجع بزرگوار گفتند که بر ما شهادت دادند که با چشم مجرد هم دیدند، من به این آقایان می‌گویم شما که می‌گویید با تلسکوپ کافی نیست اگر شب پنجشنبه را با تلسکوپ ببینید که خیلی‌ها هم دیدند، بگویید پنجشنبه اول ماه نیست، جمعه اول ماه می‌شود، این پنجشنبه جزء کدام ماه است؟

اگر بگویید جزء ماه قبل است اینکه از تحت الشعاع خارج شده چون ملاک، برای ماه جدید این است که ماه بیاید در محاق، در تحت الشعاع و بعد دوباره خارج شود، تردیدی در این نیست که این ماه جدید است، می‌گویند ما می‌گوییم از جهت شرعی ماه از وقتی است که رؤیت شود، یعنی از وقتی است که آن هلال رؤیت شود، چنین چیزی ما نداریم، ماه جدید است و این جزء ماه جدید است، لابد که در جزء ماه جدید که قرار بدهید می‌شود اول ماه. در ماه هم ملاک واقع است، شما با دوربین واقع را می‌بینید، دوربین نمی‌آید واقع را برای شما تغییر بدهد لذا اینجا رؤیت هلال با تلسکوپ هم کافی است.

پس نظر ما هم همین است، تحدید عرفی، همان‌طور که مرحوم والد ما(رضوان الله علیه) دارند در این حدّ مسافت کافی است، عرف می‌گوید هشت فرسخ است، حالا دو متر کمتر باشد عرف با توجه به این یکی دو متر کمتر می‌گوید هشت فرسخ، همین برای ما کفایت می‌کند.

بحث دوم: بررسی مسئله مهم کفایت حد مسافت با خبر عدل واحد در سال آتی؛

بحث مهم این است که آیا حدّ مسافت با خبر عدل واحد کافی است یا نه؟ همین‌طور که گفتیم شیاع ظنّی، مرحوم آقای بروجردی(ره) این را بردند در بحث انسداد صغیر، ایشان انسداد صغیر را می‌پذیرند و نتیجه‌ی انسداد صغیر این است که اگر ظنّ به این پیدا کردید که اینجا هشت فرسخ است، کافی است.

منتها چون بعضی از آقایان فرمودند خسته شدیم و دو روز از ماه رمضان هم بفهمیم که درس نیست، به همین مقدار اکتفا می‌کنیم. من از آقایانی که واقعاً همّت کردید و تشریف آوردید تشکر می‌کنم، امیدواریم که خدای تبارک و تعالی همان‌طوری که سایر عبادات ما را به فضل و رحمت و کرمش قبول می‌کند این درس و بحث را هم إن شاء الله قبول بفرماید و جزء نامه‌ی اعمال ما قرار بدهد. بقیه‌ی بحث إن شاء الله سال آینده.

و صَلَّی اللّٰه عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ